

جایگاه انرژی در سازمان جهانی تجارت

میترا نصیری^۱

چکیده

این نوشتار که با محوریت نفت و گاز نگاشته شده است، به پیشینه مذاکرات مربوط به نفت در گات و جایگاه انرژی در موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت، اوپک و نظام چندجانبه تجاری، انرژی و الحاق به سازمان جهانی تجارت، و مباحث جدید مرتبط با انرژی در این سازمان می‌پردازد. این مقاله به این پرسش پاسخ می‌دهد که جایگاه این موضوع در سازمان جهانی تجارت در کجا قرار می‌گیرد؟ در بخشی از مقاله ارتباط میان انرژی و موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت شامل موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات، گات ۱۹۹۴، موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی، موافقت‌نامه ضدقیمت‌شکنی (دامپینگ) و موافقت‌نامه موانع فنی فراراه تجارت بررسی می‌گردد. همچنین، با مراجعه به تجربیات کشورهای نفت خیز در الحاق به سازمان جهانی تجارت و نیز موارد طرح موضوع انرژی در ادوار مذاکراتی گذشته و دور دوحه، موضوعاتی مانند تعرفه محصولات انرژی، ترانزیت و انرژی، اوپک و سازمان جهانی تجارت، مالیات انرژی و قیمت‌گذاری دوگانه سایر ابعاد موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مقدمه

نقش انرژی در نظام چندجانبه تجارت جهانی به لحاظ اهمیت ویژه آن برای تمامی کشورها اعم از تولید کننده و مصرف کننده از حساسیت خاصی برخوردار است. جهانی شدن بازار انرژی به واسطه سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی، مقررات زدایی در بازارهای داخلی کشورها و ارتباط نوین بخش انرژی کشورها با اقتصاد سیاسی جهانی بر اهمیت جایگاه آن در روابط اقتصادی و تجاری میان کشورها افزوده است. در چنین شرایطی در کنار شکل‌گیری نهادهایی نظیر معاهده منشور انرژی [۱] و نیز اختصاص یافتن بخشی از ترتیبات تجاری منطقه‌ای (نظیر نفتا) [۲] به انرژی، این موضوع در نظام چندجانبه تجارت جهانی نیز مطرح است. شناخت جایگاه انرژی در سازمان جهانی تجارت برای کشور ما که به عنوان اولین منبع درآمدی خود بر صادرات نفت و گاز متکی است ضرورت دارد.

در این مقاله به پیشینه مذاکرات مربوط به نفت در گات و جایگاه انرژی در موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت، اوپک و نظام چندجانبه تجاری و انرژی و الحاق به سازمان جهانی تجارت و مباحث جدید مرتبط با انرژی در این سازمان پرداخته می‌شود. انرژی‌هایی از قبیل انرژی برق، انرژی آبی و انرژی‌های نو نیز به گونه‌ای در حوزه قواعد سازمان جهانی تجارت قرار دارند، اما در این مقاله تنها به حوزه‌های نفت و گاز پرداخته می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی فصلنامه علمی پژوهشی تجارت جهانی

۱) پیشینه مذاکرات مربوط به نفت در گات

نفت از آغاز قرن بیستم نه به عنوان کالایی اقتصادی بلکه به عنوان کالایی استراتژیک مطرح بوده و نقش مهمی در جنگ‌های جهانی و پس از آن داشته است. در اوایل مذاکرات گات، اغلب حوزه‌های نفتی در آمریکای شمالی، خاورمیانه و جنوب شرقی آسیا تحت کنترل شرکت‌های چند ملیتی با مالکیت آمریکایی، انگلیسی، هلندی و فرانسوی بودند. از آن جایی که کشورهای عضو مایل نبودند که بر سر کنترل ذخایر تنش ایجاد شود تصمیم گرفتند که این کالای استراتژیک را در آن زمان از مذاکرات گات مستثنی کنند، زیرا از آن نگران بودند که جنبه‌های سیاسی استراتژیک نفت، موضوعات فنی گات را به

مباحث سیاسی تبدیل کند. در آن زمان عمده‌ترین کشورهای صادر کننده نفت از اعضای گات نبودند و یا هنوز وضعیت مستعمره داشتند و از میان آنها تنها کشورهای اندونزی، کویت و نیجریه عضو گات بودند.

پس از وقوع شوک نفتی در دهه ۱۹۷۰ توجه کشورهای صنعتی به آسیب‌پذیری و وابستگی آنها به عرضه نفت جلب شد. این موضوع باعث شد که کشورهای صنعتی و در رأس آنها آمریکا موضوع محدودیتهای صادراتی را در دور توکیو مطرح کنند، اما توافقی حاصل نگردید. با این حال، به طور کلی علی‌رغم اهمیت نظام چندجانبه تجارت جهانی در سیاستگذاری تجاری آمریکا، بخش عمده‌ای از بخش انرژی این کشور از قواعد این نظام دورنگاه داشته شده است. و عملکرد گذشته گات در این خصوص برای تمامی اعضا اعم از صادرکنندگان و واردکنندگان انرژی با یک توافق نانوشته که با عنوان «توافق شرافتمندانه»^۱ از آن یاد می‌شود همراه بوده است. توافق در این زمینه تحت ماده ۲۱ گات به عنوان اقداماتی که برای منافع امنیتی کشورها ضروری می‌باشد ایجاد شده است، اما با بررسی دقیقتر سوابق گات در می‌یابیم که در موارد مختلف، بسیاری از موضوعات به طور غیرمستقیم مورد بحث قرار گرفته است که تأثیر مهمی بر سیاستهای انرژی کشورهای صادر کننده دارد. گسترش پوشش نظام چندجانبه تجارت جهانی و ایجاد سازمان جهانی تجارت و تغییر و تحول در ماهیت تجارت محصولات انرژی در جهان از جمله رویکرد کشورها در واگذاری فعالیتهای مربوط به خدمات انرژی و نیز افزایش تعداد کشورهای صادرکننده نفت عضو سازمان جهانی تجارت موجب شد که بتدریج و به انحاء مختلف موضوع انرژی به صورت گسترده‌تری در مذاکرات مطرح گردد. بررسی دقیقتر این سوابق و نیز چگونگی تعامل اوپک و اعضای آن با نظام چندجانبه تجاری در بخش دیگری از این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

1-Gentlemen Agreement

۲) انرژی و موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت

در مقررات سازمان جهانی تجارت بندرت می‌توان مواردی را یافت که به طور مستقیم به انرژی اشاره شده باشد. در واقع، تنها در موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات است که می‌توان ردپای روشنی از انرژی یافت، اما سایر قواعد و مقررات این سازمان نیز بر سیاستهای کشورهای صادرکننده نفت اعم از قیمت‌گذاری، رویه‌های تجاری و سایر اقدامات آنها در حوزه نفت و گاز تأثیرگذار است و می‌تواند آنها را با چالش مواجه ساخته یا فرصتهایی را پیش روی آنها قرار دهد. در این بخش ارتباط میان انرژی و موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت شامل موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات، گات ۱۹۹۴، موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی، موافقت‌نامه ضدقیمت‌شکنی (دامپینگ) و موافقت‌نامه موانع فنی فراراه تجارت بررسی می‌گردد.

۱-۲) موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات^۱

خدمات انرژی شامل طیف وسیعی از خدمات شامل حمل و نقل، توزیع، تولید، اکتشاف، استخراج، مشاوره، مهندسی و سایر خدمات می‌گردد. بخش انرژی با تولید ۲/۴ تریلیون دلار در سال ۲۰۰۰ [۳] بزرگترین صنعت دنیا محسوب می‌شود که از تهیه نقشه‌های زمین‌شناسی تا تجارت و بازاریابی محصولات انرژی و اندازه‌گیری مصرف و مدیریت تجهیزات انرژی را در بر می‌گیرد. زمانی شرکت‌های انحصاری با گسترش عمودی تمامی این خدمات را ارائه می‌دادند، اما اکنون جهانی شدن، خصوصی‌سازی و آزادسازی در بازارهای نفت و گاز کشورها ساختار صنعت نفت و گاز را دگرگون کرده است. هرچند در طبقه بندی سازمان جهانی تجارت در مورد خدمات، مقوله تفکیک‌شده‌ای با عنوان دقیق خدمات انرژی وجود ندارد، اما از آنجایی که خدمات مربوط به انرژی در زیربخشهای دیگر ذکر شده‌اند، خدمات انرژی تحت پوشش موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات قراردارند. موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات فعالیت‌های مرتبط با انرژی را

1- General Agreement on Trade in Services (GATS)

پوشش می‌دهد. هدف از این موافقت‌نامه گسترش تجارت خدمات میان شرکای تجاری می‌باشد براساس این موافقت‌نامه، مجموعه‌ای از الزامات عمومی و تعهدات خاص بر بخشهای مرتبط با انرژی قابل اعمال خواهد بود. این الزامات در چهار شیوه مختلف عرضه خدمات انرژی (۱- از قلمرو یک کشور عضو به قلمرو کشور دیگر ۲- از قلمرو یک کشور عضو به مصرف‌کنندگان اعضای دیگر ۳- توسط عرضه کننده یک کشور عضو از طریق حضور تجاری در قلمرو عضو دیگر ۴- توسط عرضه کننده یک عضو به عنوان شخص حقیقی در قلمرو عضو دیگر) [۴] باید توسط اعضا مراعات شود. تعهدات خاص هر کشور در جدول تعهدات ملی آن کشور در حوزه دسترسی به بازار، رفتار ملی و تعهدات اضافی در بخش یا زیربخشهای مرتبط از جمله انرژی ذکر می‌شود. اعضا در این جداول شرایط، محدودیتها و الزامات مربوطه را در ارتباط با هر بخش به صورت مجزا ذکر می‌کنند. اگر از بخش یا زیربخشی در این جدول ذکری به میان نیاید به این معنی است که کشور عضو هیچ الزامی در مورد دسترسی به بازار و رفتار ملی در این بخش ندارد. این موافقت‌نامه مقرر نموده است که مذاکرات آزادسازی خدمات طی ادوار متوالی ادامه پیدا کند و مقررات آن و سطح تعهدات اعضا ارتقا یابد.

در حال حاضر در طبقه‌بندی ۱۲ گانه خدمات مقوله جداگانه‌ای برای خدمات انرژی وجود ندارد، [۵] اما در زیربخشهای مختلف، اشکال مختلف خدمات انرژی تحت پوشش قرار گرفته است. این مقوله‌ها عبارتند از: معدن کاوی، خدمات حمل و نقل از طریق لوله، خدمات توزیع، خدمات آزمایش و بررسی فنی، خدمات مرتبط با توزیع انرژی و خدمات تعمیر و نگهداری تجهیزات. طبقه‌بندی موجود از دید بسیاری از کشورهای عضو پاسخگوی ضرورت‌های آزادسازی تجارت خدمات انرژی نیست، زیرا لزوماً پوشش دهنده تمامی زیربخشها نیست و طیف گسترده فعالیتها را نشان نمی‌دهد و مبهم است. سطح تعهدات کشورهای عضو در بخش انرژی بسیار اندک است. تاکنون تنها ۳۳ کشور در خدمات مرتبط با معدن کاوی که شامل اکتشاف و استخراج نفت و گاز نیز می‌شود تعهد سپرده‌اند.

بسیاری از اعضا با این استدلال که نیاز جهان به مصرف انرژی رو به افزایش است

(طبق تخمین آژانس بین‌المللی انرژی مصرف انرژی در جهان طی ۲۰ سال آینده تا ۶۰ درصد افزایش می‌یابد) و سرمایه‌گذاری در عرضه خدمات انرژی اجتناب‌ناپذیر است بر ضرورت کاهش محدودیتها در دسترسی به بازار کشورهای صادر کننده نفت در حوزه خدمات انرژی تأکید دارند. براساس برآورد شورای جهانی انرژی، کل سرمایه‌گذاری در بخش انرژی طی سالهای ۲۰۲۰-۱۹۹۰ به حدود ۳۰ تریلیون دلار (با قیمت پایه سال ۱۹۹۲) می‌رسد. [۶] طبیعتاً چنین بازاری بشدت مورد توجه عرضه کنندگان خدمات انرژی و کشورهای عمده صادر کننده این خدمات می‌باشد. دولتها در سراسر دنیا کمابیش به این نتیجه رسیده‌اند که این بخش را به نیروهای بازار واگذار کنند. کشورهای صادر کننده نفت و گاز که حدود چهار دهه در قالب شرکتهای ملی بزرگ در بخش انرژی فعالیت کرده و فعالیتهای آنها در قالب شرکتهای بزرگ با ادغام زنجیره‌ای عمودی صورت می‌گرفت مدتی است که روند تفکیک وظایف را در پیش گرفته‌اند و همزمان از طریق فرایند خصوصی‌سازی، مالکیت یا مدیریت شرکتها را به بخش خصوصی واگذار می‌کنند. در عرصه بازار انرژی بیش از ۳۰ نوع خدمات متمایز عرضه می‌شود که در آن تعداد اندکی شرکت بزرگ و تعداد بسیاری شرکتهای کوچک و متوسط وجود دارند که در خدمات بالادستی مانند اکتشاف، استخراج، حفاری، ساخت دکل حفاری و سایر خدمات ساخت و ساز فعال هستند که در زمره خدمات مرتبط با معدن کاوی قرار می‌گیرد.

در مرحله بعد خدمات حمل انرژی قرار دارد که در بعضی موارد در آنها نمی‌توان تفکیکی برای بخش انرژی قایل شد. در اینجا، به عنوان مثال، می‌توان از خدمات حمل دریایی نام برد، اما در دیگر موارد نظیر حمل نفت خام یا پالایش یافته و گاز و سایر فراورده‌ها با لوله در جداول تعهدات مقوله جداگانه‌ای وجود دارد. در خدمات پایین‌دستی نیز خدماتی مانند خدمات تحویل انرژی به مصرف کننده نهایی و خدمات انتقال و توزیع انرژی به مصرف کننده نهایی در ازای پرداخت هزینه یا عقد قرارداد و نیز تحویل گاز و نفت و بنزین به خانوارها و صنایع در زیر مجموعه خدمات انرژی قرار می‌گیرد. با توجه به اصلاحات ساختاری بخش انرژی [۷] و فرایند مذاکرات جاری در باره ایجاد بخش مجزای جدیدی در طبقه‌بندی خدمات با عنوان خدمات انرژی لازم است کشورهای تولیدکننده نفت و گاز

این مذاکرات را فعالانه تعقیب نمایند و ملاحظات توسعه‌ای خود را در طبقه‌بندی جدید لحاظ نمایند.

۲-۲) موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات ۱۹۹۴)

گات ۱۹۹۴ یک موافقت‌نامه چندجانبه میان کشورهای است که چارچوب تجارت کالا را میان کشورها مشخص می‌کند و شامل قواعد مربوط به صادرات و واردات کالا است و هدف اصلی آن ایجاد یک نظام تجاری چندجانبه جهت تجارت آزاد کالا می‌باشد. مهمترین قواعد گات رعایت رفتار دولت کامله‌الوداد، رفتار ملی و ممنوعیت محدودیت مقداری می‌باشد. در این موافقت‌نامه می‌توان موارد مختلفی را مشاهده نمود که برای کشورهای صادر کننده نفت اهمیت دارد.

یکی از حوزه‌هایی که می‌تواند در چارچوب گات کشورهای عضو اوپک را با مشکل مواجه کند وضع سهمیه‌های صادراتی است. اصل ممنوعیت عمومی وضع محدودیتهای مقداری صادرات و واردات یکی از مهمترین اصول گات است. براساس ماده ۱۱ گات، اقدامات محدود کننده‌ای که از طریق مجوز صادراتی یا سهمیه و یا اقدامات مشابه دیگر صورت می‌گیرد ممنوع است. در مواردی که کشورها عملاً اقدام به ایجاد محدودیتهای مقداری صادراتی مانند کنترل عرضه می‌کنند می‌توان گفت که یکی از اصول گات ۱۹۹۴ را نقض کرده‌اند. البته همواره این استدلال مطرح بوده است که سهمیه اوپک در واقع سقف تولید را محدود می‌کنند نه سطح صادرات را. همچنین ذکر شده است که براساس ماده ۲۰ اقداماتی که اعضا در جهت حفظ ذخایر تجدیدناپذیر خود انجام می‌دهند در صورتی که در ارتباط با محدودسازی تولید و مصرف داخلی صورت گرفته باشد بلامانع است. به عبارت دیگر، اقدامات کشورهای صادر کننده نفت در صورتی که حوزه و پوشش آنها با محدودیتهای تولید و مصرف در داخل هماهنگ باشد در چارچوب این استثنا قرار می‌گیرد. با وجود این، برخی کارشناسان ابراز تردید می‌کنند که اقدام اوپک با هدف حفظ ذخایر صورت گیرد و مصرف و تولید در داخل را محدود نماید، لذا موضوع محدودیتهای کمی صادرات کشورهای اوپک بارها در مجامع مختلف از جمله جلسات غیررسمی سازمان جهانی تجارت و تفاسیر ارائه شده در چارچوب موافقت‌نامه‌هایی مانند

منشور انرژی که ضوابط سازمان جهانی تجارت را بر تجارت انرژی حاکم می‌کند مناقشه‌انگیز شده است. [۸]

یکی دیگر از استثنائاتی که می‌توان از آن برای حفظ نظام سهمیه‌ای اوپک استفاده کرد ماده ۲۰ می‌باشد. براساس بخشی از این ماده، اقداماتی که در راستای الزامات مربوط به موافقت‌نامه‌های کالاهای مصرفی^۱ صورت می‌گیرند در شمار استثنائات می‌باشند. و بالاخره آنکه براساس ماده ۲۱ گات مفاد این موافقت‌نامه کشورها را از اقداماتی که برای حفظ منافع امنیتی خود لازم می‌دانند باز نمی‌دارد. در مورد آنکه آیا نظام سهمیه‌ای در اوپک با منافع امنیتی کشورهای صادر کننده ارتباطی دارد یا نه جالب توجه است بدانیم که آمریکا به دلایل سیاسی و امنیت ملی در چارچوب قانون کنترل صادرات و محدودیت واردات از طریق سهمیه‌های اجباری در مورد نفت خام و مشتقات نفتی، محدودیتهای صادراتی وضع کرده است. با توجه به نقش آمریکا در تهیه گات ۱۹۴۷ و با توجه به اهمیت نفت در اقتصاد این کشور و همین‌طور نفوذ سیاسی تولیدکنندگان داخلی آمریکا، در واقع این ماده برای حفظ منافع این کشور در موافقت‌نامه گنجانده شده است و در هر صورت برای کشورهای عضو اوپک قابل استناد است.

۱-۲-۲) تعرفه و محصولات انرژی

براساس مقررات گات کشورهای متعاقد به کاهش تعرفه‌های کالاها ملزم گردیده‌اند و طی ادوار مذاکراتی متوالی تعرفه‌های خود را کاهش داده‌اند. در مورد نفت، تعرفه‌های گمرکی هرگز مانعی بر سر راه صادرات این محصول نبوده است و میزان تعرفه‌های گمرکی نفت خام در دنیا چندان قابل توجه نبوده است (به جز در دهه ۱۹۴۰ در آمریکا). در برخی از کشورها از جمله اتحادیه اروپا تعرفه‌های نفت خام صفر است. به طور کلی، سیاستهای واردات فراورده‌های نفتی تابع نیاز انرژی کشورها می‌باشد، لذا همواره تعرفه‌ها و عوارض وارداتی بیشتر نقش درآمدی را در سیاستهای تجاری ایفا نموده‌اند. میزان تعرفه‌های وارداتی در آمریکا ۵/۵ سنت برای هر بشکه و در ژاپن با بالاترین میزان تعرفه مبلغ

۲۱۵ ین برای هر مترمکعب می‌باشد. اصولاً هیچ تعهدی برای تثبیت تعرفه‌های نفت خام در جداول تعهدات اعضای سازمان جهانی تجارت وجود ندارد.

در دور اروگوئه در میزان تعرفه‌های مشتقات نفت تغییراتی صورت گرفته است، اما در برخی موارد هنوز تثبیت تعرفه صورت نگرفته است. جدول شماره ۱ محدوده تعرفه‌های مشتقات را قبل و بعد از دور اروگوئه نشان می‌دهد. تعرفه‌های محصولات پتروشیمی هم قبل از دور اروگوئه تثبیت شده بودند، اما در دور اروگوئه نیز کاهش قابل توجهی داشتند. (جدولهای شماره ۳و۲)

جدول ۱: تعرفه‌های مشتقات نفت قبل و بعد از دور اروگوئه برای کشورهای توسعه یافته منتخب

تعرفه‌های گمرکی قبل از دور اروگوئه	تعرفه‌های گمرکی پس از دور اروگوئه	
۵ تا ۷ درصد	۳/۵ تا ۴/۷ درصد	اتحادیه اروپا
۵/۸ درصد تا ۸۴ سنت بر هر بشکه	۵/۸ درصد تا ۸۴ سنت بر هر بشکه	آمریکا
صفر تا ۳۰۳۳ ین بر هر مترمکعب*	صفر تا ۳۰۳۳ ین بر هر مترمکعب	ژاپن

* بخشی از خطوط تعرفه‌ای را تثبیت نمود.

Source: UNCTAD 2000, p.157.

جدول ۲: تعرفه‌های هیدروکربن‌ها برای کشورهای توسعه یافته منتخب قبل و بعد از دور اروگوئه

تعرفه‌های گمرکی قبل از دور اروگوئه	تعرفه‌های گمرکی بعد از دور اروگوئه	
صفر تا ۱۴ درصد	صفر تا ۵/۵ درصد	اتحادیه اروپا
صفر تا ۱۸ درصد*	صفر تا ۵/۵ درصد	آمریکا
صفر تا ۲۴ درصد**	صفر تا ۵/۵ درصد	ژاپن

* به همراه تعرفه‌های خاص از ۲/۷ تا ۳/۷ سنت برای هر کیلوگرم

** به همراه تعرفه‌های خاص از ۲/۷ تا ۳/۷ سنت برای هر کیلوگرم

Source: *Ibid.*, p.159.

جدول ۳: تعرفه‌های مواد اولیه پلاستیک برای کشورهای توسعه‌یافته منتخب قبل و بعد از دور اروگوئه

تعرفه‌های گمرکی قبل از دور اروگوئه	تعرفه‌های گمرکی بعد از دور اروگوئه	
۵/۷ تا ۶/۵ درصد	۸ تا ۱۳۲ درصد	اتحادیه اروپا
صفر تا ۶/۵ درصد	صفر تا ۱۶ درصد *	آمریکا
صفر تا ۶/۵ درصد	صفر تا ۷/۲ درصد **	ژاپن

* به همراه تعرفه خاص به میزان ۱۸/۷ سنت برای هر کیلوگرم

** به همراه تعرفه خاص به میزان ۳۲ سنت برای هر کیلوگرم

Source: *Ibid.*, p.160.

بررسی نتایج دور اروگوئه نشان می‌دهد که مذاکرات دور اروگوئه تأثیری بر نفت خام نداشته است، اما تأثیر آن بر محصولات پتروشیمی نسبتاً قابل توجه بوده است. مطالعاتی که صورت گرفته است نشان می‌دهد که تأثیر کاهش تعرفه‌های محصولات پتروشیمی و مذاکرات دور اروگوئه بر صادرات محصولات پتروشیمی کشورهای دارای ذخایر نفت و گاز بسیار قابل توجه است و از سوی دیگر تأثیر قابل توجهی بر صنایع پتروشیمی کشورهای توسعه یافته دارد، لذا هم زمان با نگرانی صاحبان این صنایع در این کشورها از همان موقع زمینه طرح موضوع پرداخت یارانه از سوی کشورهای نفت‌خیز به صنایع پتروشیمی مطرح گردید. برخی معتقدند که با افزایش تعداد کشورهای صادر کننده نفت عضو سازمان جهانی تجارت این امکان می‌تواند به وجود بیاید که این کشورها خواهان تثبیت تعرفه‌های نفت [۹] گردند تا به این ترتیب نوعی امنیت در دسترسی به بازار مصرف برای آنها حاصل گردد. [۱۰]

۲-۲-۲) مالیات و انرژی

در حال حاضر مالیات‌های سنگین کشورهای توسعه یافته بر سوخت که با هدف حمایت از انرژیهای نو و ملاحظات زیست‌محیطی و سیاسی امنیتی وضع شده‌اند، مانع مهمی برای صادرات سوخت‌های فسیلی کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود. در واقع، در نبود تعرفه‌های گمرکی، مالیات‌های داخلی کشورهای صنعتی ژاپن، آمریکا،

کانادا، آلمان، ایتالیا، انگلیس و فرانسه مانع بزرگی برای واردات هستند. گفته می‌شود که مالیات هر بشکه نفت حتی به ۹۰ دلار می‌رسد و درآمد مالیاتی این کشورها دو برابر درآمد نفتی اعضای اوپک است. مالیاتی که بر نفت وضع می‌شود نسبت به سوخت‌های دیگر بالاتر است و در عین حال برخلاف آنچه گفته می‌شود، ساختار مالیاتی به گونه‌ای وضع نشده است که به اهداف زیست‌محیطی کمک کند. در گات ۱۹۹۴ بحث مالیات مطرح شده است. براساس آن، کشورها می‌توانند بر کالاها مالیات داخلی وضع کنند، مشروط بر آن که در وضع مالیات بین کالاهای وارداتی و داخلی استثنا وجود نداشته باشد. براساس بند ۴ ماده ۳ منع تبعیض میان کالاهای مشابه مطرح شده است یعنی نه تنها بین کالاهای یکسان بلکه میان کالاهای مشابه داخلی و خارجی نباید تبعیض قایل شد. به عنوان مثال می‌توان گفت که ذغال‌سنگ کالای رقیب نفت در صنایع انگلیس، آلمان و آمریکا می‌باشد. حال در صورتی که در این کشورها مالیات تبعیض‌آمیز وضع شود در این صورت مزیت غیرعادلانه‌ای به نفع واردات ذغال‌سنگ در کشورهایی که وارد کننده و مصرف کننده هر دو کالا هستند قایل شده‌اند (نقض اصل دولتهای کامله‌الوداد). این مالیات‌ها در صورتی که شکل حمایت‌گرانه به خود بگیرند می‌توانند مورد اعتراض قرار گیرند.

در واقع، براساس این اصول، کشورهای صادر کننده نفت باید بتوانند در مقابل ساختار تبعیض‌آمیز مالیات بر انرژی طرح دعوا کنند، ولی به علت محدودیتهایی که در تفسیر ماده ۳ وجود دارد، در حال حاضر طرح دعوا در این زمینه نتیجه‌ای ندارد. برخی کارشناسان معتقدند که قواعد فعلی به گونه‌ای است که تاب آن را دارد که در آینده بتوان الزامات نظام تجارت چندجانبه را به این گونه سیاست‌های داخلی کشورهای مصرف کننده تعمیم داد. لذا برخی شمول قواعد گات به حوزه نفت را لزوماً و به طور مطلق به زیان آنها نمی‌دانند و معتقدند که چه بسا بتوان از این طریق موضوع مالیات‌های داخلی مصرف کنندگان را به عرصه سازمان جهانی تجارت کشاند. [۱۱]

۳-۲-۲) ترانزیت و انرژی

یکی از ابعادی که با الحاق کشورها و انرژی ارتباط دارد مسأله ترانزیت انرژی است که برحسب موقعیت جغرافیایی کشورها برای آنها اهمیت دارد. در این زمینه باید به ماده

۵ گات توجه داشت. براساس ماده ۵ کشورهای که در مسیر ترانزیت واقع می‌شوند صرفاً می‌توانند عوارضی منطقی و مبتنی بر هزینه‌ها دریافت نمایند و نیز باید در اخذ هزینه‌ها رفتار دولت کامله‌الوداد را رعایت نمایند. این موضوع برای کشورهای که سابقه دریافت هزینه‌های بالا برای عبور لوله‌های نفت و گاز را دارند اهمیت دارد. برخی از کشورهای محصور در خشکی که بشدت به درآمدهای حاصل از ترانزیت وابسته‌اند تاکنون اقداماتی از این دست انجام داده‌اند.

برخی از جمهوریهای شوروی سابق و یوگسلاوی در حال حاضر عضو معاهده منشور انرژی هستند و در ارتباط با این معاهده تعهداتی را پذیرفته‌اند. ماده ۷ این معاهده بر آزادی ترانزیت تأکید دارد و نیز قواعدی غیرالزام‌آور در باره تسهیل تأسیس خطوط لوله و انتقال سوخت دارد و نیز حاوی الزام رعایت رفتار غیرتبعیض‌آمیز می‌باشد. اما الزامات این معاهده قواعد ویژه‌ای برای میزان هزینه ترانزیت یا معیارهای مربوط به آن ندارد. هنوز رویه خاصی (جز کنفرانس عمومی، نظارت و مذاکره) در این منشور وجود ندارد که الزامات عدم تبعیض و تسهیل در ترانزیت را قابل طرح در محکمه نماید یا دولت‌ها را ملزم نماید که نسبت به عملکرد شرکت‌های اپراتور خطوط انتقال و یا خطوط لوله رویه‌های الزام‌آوری وضع کرده یا مسئولیتی بپذیرند. البته مذاکراتی در این چارچوب در جریان است تا اصول کلی را در این زمینه تدوین و رویه‌ای را برای حل و فصل اختلافات ایجاد نمایند.

کشورهایی که به سازمان جهانی تجارت ملحق می‌شوند این فرصت را خواهند یافت که براساس ماده ۵ در صورتی که سایر اعضا بخواهند با اخذ حق ترانزیت غیرمعقول یا اعمال تبعیض در اجازه عبور خط لوله در روند تجارت انرژی (شامل سوخت و برق) اخلاص ایجاد کنند از نظام حل و فصل اختلافات این سازمان بهره‌گیرند. در عین حال، اگر کشورهای مسیر ترانزیت در بخش خدمات حمل و نقل از طریق لوله تعهد سپرده باشند در این صورت با حضور اپراتورهای خطوط انتقال نفت و گاز و کاهش انحصارات در این زمینه امکانات گسترده‌تری در تسهیل تجارت انرژی میان کشورهای صادر کننده و واردکننده ایجاد خواهد شد.

۳-۲) موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی^۱

تا قبل از دور اروگوئه مقررات مربوط به یارانه‌ها و اقدامات جبرانی عمدتاً در ماده ۱۶ و ماده ۶ گات ۱۹۴۷ خلاصه می‌شد. در دور اروگوئه موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی تدوین شد. براساس این موافقت‌نامه، یارانه به هر نوع کمک مالی دولت به صورت انتقال مستقیم وجوه، چشمپوشی از درآمد دولتی قابل وصول و یا تأمین کالا و خدمات دولتی (جز موارد مربوط به دسترسی به زیرساختها) اطلاق می‌شود. براساس این موافقت‌نامه، سه نوع یارانه مجاز، ممنوع و قابل پیگیری تعریف شده است. یارانه‌های مجاز شامل یارانه‌های غیرخاص است که به یک صنعت یا شرکت خاص محدود نمی‌شود. یارانه‌های ممنوع شامل یارانه‌های صادراتی و یارانه‌هایی است که موقوف به استفاده از محصولات داخلی هستند. یارانه‌های قابل پیگیری هم یارانه‌هایی هستند که به یک صنعت یا شرکت خاص پرداخت می‌شوند و منجر به آسیب به صنایع سایر اعضا می‌گردند. در مقابل این نوع یارانه‌ها می‌توان به اقدامات جبرانی دست زد.

به طور کلی، یارانه‌های مصرفی نظیر یارانه‌های سوخت که به مصرف کنندگان پرداخت می‌شود، مشمول قواعد موافقت‌نامه نمی‌شود و پرداخت آنها مجاز است. موافقت‌نامه یارانه‌ها در مورد نفت خام و گاز و مشتقات آنها و محصولات پتروشیمی کاربردهایی دارد. یک نمونه آن صادرات مواد پتروشیمی کشورهای دارنده ذخایر نفت و گاز است که می‌تواند با این استدلال که تولید کننده با برخورداری از شرایط مطلوبتر (مواد اولیه ارزان) در داخل کشور به تولید کنندگان کشور وارد کننده لطمه می‌زند مورد چالش قرار گیرد (رجوع شود به بحث الحاق و انرژي). در صورتی که یارانه سوخت به صورت خاص به صنعت خاص یا شرکتهای خاصی داده شود قابل پیگیری است، اما اگر به صورت عمومی در کل اقتصاد کشور باشد یارانه محسوب نمی‌شود. با توجه به آن که در کشورهای صادر کننده نفت و گاز، مواد اولیه ارزان قیمت (زیر قیمت جهانی) در اختیار تمام صنایع قرار دارد نمی‌توان گفت که اقدام آنها یارانه محسوب می‌شود. (با این حال، در مورد کشورهای در حال الحاق این ادعا مطرح شده است.) الزام عدم تبعیض و سیاست

قیمت‌گذاری در ارتباط با کشورهای که صاحب منابع طبیعی هستند همواره با خود این پرسش را به دنبال دارد که جایگاه مزیت نسبی در گات کجاست؟ در این خصوص کشور کانادا در مذاکرات دور اروگوئه به این مسأله اشاره کرده است و سیاست‌های قیمت‌گذاری خود را نتیجه مزیت نسبی خود و بخشی از حقوق حاکمیتی خود دانسته است. این همان استدلالی است که تمامی کشورهای صادرکننده نفت و گاز می‌توانند در توجیه قیمت‌گذاری دوگانه مطرح نمایند. [۱۲]

بر اساس ضمیمه یک موافقت‌نامه یارانه‌ها (فهرست یارانه‌های صادراتی)، در صورتی که دولت محصولات یا خدماتی را که به عنوان نهاده تولید صادراتی استفاده می‌شود با شرایط مطلوب‌تر برای صادرات فراهم کند در معرض اقدام جبرانی قرار می‌گیرد و نیز در ضمیمه ۲ همین موافقت‌نامه (رهنمودهایی راجع به مصرف نهاده‌ها در فرایند تولید) آمده است که انرژی سوخت و نفتی که در فرایند تولید محصولات صادراتی مصرف شود جزء نهاده‌های ترکیب شده فیزیکی محسوب می‌شود. با در نظر گرفتن این دو نکته می‌توان گفت که بهره‌برداری از ذخایر طبیعی در صورتی که مزیت رقابتی ایجاد کنند می‌تواند منجر به اقدامات متقابل گردد.

تا چندی پیش یارانه‌هایی که با هدف حفظ محیط‌زیست پرداخت می‌شدند، مجاز بودند. اما اکنون این دسته از یارانه‌ها جزو یارانه‌های قابل پیگرد می‌باشند و این موضوع از سوی کشورهای صادرکننده انرژی مورد انتقاد قرار گرفته است، زیرا مجاز بودن یارانه‌های زیست‌محیطی به زیان این کشورهاست. به طور کلی با بررسی موافقت‌نامه یارانه‌ها در می‌یابیم که یارانه‌های مجاز و قابل پیگرد عمدتاً یارانه‌های مورد استفاده کشورهای توسعه یافته هستند (یارانه‌های مربوط به حفظ محیط‌زیست و یارانه‌های تحقیق و توسعه). این در حالی است که آن دسته از یارانه‌هایی که لازمه فرایند توسعه و صنعتی شدن می‌باشند ممنوع هستند. [۱۳]

اما کشورهای صادرکننده نفت می‌توانند در موارد مقتضی در مورد یارانه‌های قابل پیگرد عکس‌العمل لازم را نشان دهند. مثلاً در صورتی که یارانه پرداخت شده توسط یک کشور مانع صادرات کالای مشابه کشوری به بازار کشور پرداخت‌کننده یارانه یا به بازار

یک کشور ثالث گردد، کشور صادر کننده می‌تواند اقدام جبرانی انجام دهد. کاربرد این اقدام در مواردی است که یارانه‌ای به سایر محصولات که در رقابت با فراورده‌های نفتی می‌باشند پرداخت گردد. در هر صورت می‌توان نتیجه گرفت که موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی می‌تواند یارانه‌هایی را که با هدف بهبود عملکرد شرکتهای داخلی تنظیم شده‌اند تحت تأثیر قرار دهد و تاب آن را دارد که کشورهای صادر کننده نفت را در استفاده از مزیت انرژی خود در جهت صنعتی شدن و توسعه با محدودیت و چالش مواجه سازد.

۴-۲) موافقت‌نامه ضدقیمت‌شکنی و انرژی [۱۴]

قیمت‌شکنی (دامپینگ) در کنار یارانه در حوزه رویه‌های تجاری غیرمنصفانه قرار می‌گیرد. براساس مقررات ماده ۶ گات و موافقت‌نامه ضدقیمت‌شکنی، زمانی که کالایی با قیمتی کمتر از ارزش عادی آن وارد کشور دیگری می‌شود و قیمت صادراتی این کالا کمتر از قیمت قابل مقایسه آن در جریان عادی تجارت برای کالاهای مشابه در کشور صادر کننده است قیمت‌شکنی رخ داده است. برای انجام اقدام ضدقیمت‌شکنی هر عضو سازمان جهانی تجارت باید اول تشخیص دهد که قیمت‌شکنی اتفاق افتاده و لطمه یا خطر لطمه مهم به صنعت داخلی یا تأخیر مهم در تأسیس صنعت داخلی رخ داده است و میان قیمت‌شکنی و لطمه رابطه علی وجود دارد. شباهت زیادی میان مقررات یارانه‌ها و اقدامات جبرانی در موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی و مقررات ضدقیمت‌شکنی وجود دارد. تفاوت عمده آن دو در این است که یارانه عملکرد غیرمنصفانه دولتهاست، اما قیمت‌شکنی رویه تجاری غیرمنصفانه بخش خصوصی است. براساس مقررات سازمان جهانی تجارت، اقدام ضدقیمت‌شکنی تنها توسط دولتها می‌تواند انجام گیرد و اگر دولتی تصمیم به این اقدام بگیرد باید موافقت شورای تجارت کالا را جلب نماید. موافقت‌نامه ضدقیمت‌شکنی نیز جزء حوزه‌هایی است که به استناد آن در اختیار گذاشتن نهاده‌های ارزان به صنعت پتروشیمی در کشورهای صادر کننده نفت به چالش کشیده شده است. براساس ماده ۲ این موافقت‌نامه، در صورتی که نهاده ارزان محصول صادراتی صرفاً با

هدف صادرات تأمین شده باشد این اقدام قیمت‌شکنی تلقی می‌شود. در کشورهای صادرکننده نفت، مواد اولیه ارزان هم برای صادرات و هم برای بازار داخلی فراهم است، اما اگر فروش در بازار داخلی کمتر از ۵ درصد صادرات یک کشور باشد این تصور که محصول با هدف صادرات تولید شده است تقویت می‌گردد. با کاهش تعرفه‌ها و حذف امکان استفاده از موانع تجاری، مبادرت به اقدام ضدقیمت‌شکنی افزایش یافته است. [۱۵]

در گزارشی که از سوی دبیرخانه اوپک منتشر شده است استفاده از اقدامات ضدقیمت‌شکنی علیه کشورهای نفت‌خیز به عنوان یکی از نمونه‌های مشکلات تفسیر و اجرای مقررات تجاری ذکر شده است. [۱۶] با توجه به کاهش تعرفه‌های فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی بخصوص در دور اروگوئه افزایش وضع تعرفه‌های ضد دامپینگ بر این کالاها توسط کشورهای توسعه‌یافته افزایش یافته است. یکی از نمونه‌های آن تلاش گروهی به نام کمیته نجات نفت داخلی^۱ در آمریکا بود. این گروه که مجموعه‌ای از تولیدکنندگان مستقل نفت هستند، بر ضد ونزوئلا، مکزیک، عراق و عربستان سعودی شکایتی طرح کردند مبنی بر اینکه این کشورها با فروش ارزاتر نفت به دیگران موجب زیان تولیدکنندگان آمریکایی گردیده‌اند. این گروه بر مبنای قانون ضدقیمت‌شکنی آمریکا ادعای خود را طرح کردند. براساس قانون آمریکا، وقتی پرداخت یارانه یا قیمت‌شکنی توسط چند کشور که همگی آنها به آمریکا صادرات دارند صورت می‌گیرد، تصمیم‌گیری در مورد تحقق آسیب جدی با در نظر گرفتن مجموع آنها صورت می‌گیرد، لذا احتمال این که صادرات کشورها به مرز تحقق آسیب جدی برسد افزایش می‌یابد. به این ترتیب، همان طور که می‌بینیم، کشورهای صادرکننده نفت در حوزه موافقت‌نامه ضدقیمت‌شکنی با چالش جدی برای استفاده از مزیت نسبی انرژی ارزان برای اهداف توسعه خود مواجهند.

۵-۲) موافقت‌نامه موانع فنی فراراه تجارت^۲

مقررات فنی برای تجارت محصولات با هدف ایمنی، بهداشت و حفظ محیط‌زیست در کشورها اعمال می‌شوند، اما گاهی این اقدامات به مانعی

1 - Agreement on Technical Barriers to Trade

2- Agreement on Technical Barriers to Trade

غیرضروری برای تجارت تبدیل می‌شوند و این زمانی است که سطح آنها بالا بوده یا به صورت تبعیض‌آمیز اعمال شوند. هدف موافقت‌نامه موانع فنی فراراه تجارت پرهیز از موانع غیرضروری تجارت، هماهنگی یا همسان نمودن مقررات فنی و رویه‌های ارزیابی مطابقت و شفافیت می‌باشد. موافقت‌نامه حاوی سازوکاری برای شناسایی متقابل رویه‌های ارزیابی مطابقت و همسان سازی قواعد فنی در جهت کاهش هزینه معاملات و پرهیز از تأخیرهای غیرضروری می‌باشد. اعضای سازمان جهانی تجارت باید قواعد فنی سایر اعضا را همچون قواعد خود به رسمیت بشناسند، ولو آنکه با قواعد آنها متفاوت باشد. نهادهای مربوط به استاندارد در کشورها باید از اصول مشابه قواعد اجباری تعیین شده پیروی کنند و از اعمال استانداردهایی که باعث آثار مخرب و غیرضروری بر تجارت می‌گردند پرهیزند.

مقررات این موافقت‌نامه برای کشورهای نفت‌خیز اهمیت زیادی دارد، زیرا در این بخش قواعد فنی پیچیده‌ای وجود دارد که می‌تواند موقعیت رقابتی آنها را در دسترسی به بازار شرکای تجاری خود تحت تأثیر قرارداد (به عنوان مثال ترکیبات به کار رفته در مشتقات نفتی برای ورود به بازار کشورهای توسعه یافته بعضاً با موانع فنی این کشورها مواجه می‌شود).

هماهنگ‌سازی استانداردها و مقررات بر مبنای استانداردهای بین‌المللی چندجانبه و محدود کردن اعمال قوانین داخلی در فرای مرزها صورت می‌گیرد. هماهنگ بودن مقررات لزوماً مطلوب نیست (بخصوص با توجه به ملاحظات زیست‌محیطی)، لذا سطح هماهنگ‌سازی بسیار اهمیت دارد. بالا یا پایین بودن این سطح پیامدهای اقتصادی و اجتماعی برای کشورها به دنبال دارد. با توجه به آن که براساس این موافقت‌نامه استانداردها باید الزامات زیست‌محیطی را مدنظر قرار دهند، از آن می‌توان در مقابل اقدامات تبعیض‌آمیز کشورها در مقابل نفت‌خام و محصولات نفتی استفاده کرد. اقداماتی که کشورها برای حفظ محیط‌زیست اعمال

می‌کنند نباید مستلزم آزمون‌های بسیار محدودکننده‌ای باشد و نباید صادرکنندگان را مجبور سازد که اثبات نمایند در دستیابی به اهداف زیست‌محیطی به نحو مؤثر عمل کرده‌اند. اقدامات کشورها در اعمال استاندارد باید بر اساس اصول ضرورت، تأثیر، عدم تبعیض، شفافیت و حداقل اختلال در تجارت مبتنی باشد.

۳) اوپک و نظام چندجانبه تجاری

با توجه به آن که در ادوار مذاکراتی گات اشاره مستقیم به نفت نشده است، اما همان گونه که قبلاً هم ذکر شد همواره باید این موضوع را به خاطر داشت که در هیچ جای این سند و سایر اسناد سازمان جهانی تجارت مقرر مشخصی که نفت و محصولات نفتی را از حوزه مقررات استثنا کند وجود ندارد و برخلاف آن با بررسی سوابق مذاکرات گات مشاهده می‌شود که در موارد مختلف، بسیاری از موضوعات مربوط به نفت به طور غیرمستقیم مورد بحث قرار گرفته و قواعدی مورد مذاکره واقع شده است که مستقیماً بر سیاست‌های انرژی کشورهای صادرکننده تأثیرگذار است. مسائلی همچون قیمت‌گذاری دوگانه در دهه ۱۹۵۰ در گروه کاری گات بررسی شد. در این مذاکرات استفاده از محدودیتهای کمی صادراتی بر مواد خام مورد بررسی قرار گرفت و این عقیده مطرح شد که قیمت‌گذاری دوگانه و تبعیض قیمتی به نفع صنایع داخلی که از طریق محدودیت برصادرات، و وضع مالیاتهای صادراتی اجرا می‌شوند، مخل تجارت می‌باشند. در دهه ۱۹۶۰ کشورهای صادرکننده نفت عمدتاً متوجه حقوق حاکمیت ملی خود و حوزه‌های سرمایه‌گذاری گردیدند. جنبه تجاری موضوع در آن زمان از اولویتهای آنان نبود. بعد از استقلال این کشورها، سیاست‌های کشورهای صادرکننده عمدتاً برای ایجاد چارچوبهای مالی و سرمایه‌گذاری در حوزه نفت همراه با وضع مقررات خاص به نفع صاحبان منابع متمرکز بود و در همین زمان و با این انگیزه مشترک اوپک تشکیل شد.

پس از آن که کشورهای صادرکننده، صنعت نفت را در کشورهای خود ملی کردند و همزمان با بحران نفت تلاش‌هایی از سوی آمریکا برای طرح محدودیت‌های کمی صادرات و مالیات صادراتی نفت در دور توکیو (۱۹۷۹-۱۹۷۳) صورت گرفت که با

مخالفت ژاپن، فرانسه، کانادا و کشورهای در حال توسعه مواجه شد. در همین زمان ضرورت توجه به حق حاکمیتی کشورها بر ذخایر طبیعی در مقابل شرکتهای چند ملیتی در سطح بین‌المللی و سازمان ملل متحد مورد توجه قرار گرفت و حق دائمی حاکمیت بر منابع طبیعی و فعالیت‌های اقتصادی به رسمیت شناخته شد. کشورهای صادر کننده نفت پس از ملی کردن نفت خود در بستر نظم بین‌المللی آن زمان سیاستهای کنترل تولید و قیمت را پیش گرفتند و در این هدف خود موفق شدند. این رویه با جدایی اوپک از سایر مجامع بین‌المللی همزمان بود. اوپک با اتکا بر قدرت خود و با بی‌توجهی به نقش استراتژیک نفت برای کشورهای واردکننده عضو گات به پیگیری رویه‌های جاری در گات چندان اهمیتی نداد. همان‌گونه که ذکر شد، نتایج دور توکیو حیطة گات را گسترده‌تر نمود و ورود موضوعاتی را که اثر بالقوه بر نفت و محصولات نفتی داشتند مانند یارانها، عوارض ضدقیمت‌شکنی، موانع فنی فراراه تجارت و حل و فصل اختلافات به دنبال داشت. برخی علت سکوت اوپک را این می‌دانند که حوزه‌های ذکر شده در آن زمان ماهیت الزامی نداشت و تنها سه کشور از اعضای اوپک عضو گات بودند. اما در همان زمان کشورهای دیگری مانند کانادا و زلاندنو با پیش‌بینی آثار احتمالی این قواعد بر اقتصاد خود با مشارکت فعال در مذاکرات آثار منفی این تصمیمات را به حداقل رساندند. با توجه به آن که سه کشور از اعضای اوپک در آن زمان در گات حضور داشتند، اوپک از رویه‌های مذاکرات آگاه گردیده بود و می‌توانست خود را به نوعی درگیر موضوع نماید، اما چنین نشد و اوپک و اعضای آن دوراندیشی کافی را در این زمینه نشان ندادند.

در سال ۱۹۸۲ موضوع قیمت‌گذاری دوگانه یک بار دیگر رسماً در گات مطرح شد و این درست هم‌زمان با ایجاد نظام تولید سهمیه‌ای اوپک بود و این بار نیز این طرح با مخالفت‌های کانادا و استناد این کشور به ضرورت توجه به حاکمیت ملی و مزیت نسبی کشورها مواجه شد. ثبت چنین سوابقی ولو به صورت یک طرفه در مورد مفهوم یارانها و تفسیر موسع آن و طرح ابهام در مورد مفهوم یارانها باید مورد توجه کشورهای صادرکننده نفت قرار گیرد، چرا که بسیاری از سیاست‌های زیربنایی این کشورها می‌تواند تحت تأثیر چنین رویکردهایی قرار گیرد.

در دور اروگوئه نیز بار دیگر مسأله رویه‌های قیمت‌گذاری دوگانه و این که محدودیتهای صادراتی بخش نفت باعث ایجاد اختلاف قیمت به نفع تولیدکنندگان داخلی و موجب اختلال در تجارت می‌شود مطرح گردید. این بار گروهی از کشورها که در دور توکیو با آن مخالف بودند به جمع موافقان پیوستند و اذعان کردند که در دور توکیو به قدر کفایت به این موضوع پرداخته نشده است و عنوان نمودند که مالیاتهای صادراتی، رویه‌های قیمت‌گذاری دوگانه، مالکیت گسترده دولتی و کنترل صنایع متکی بر منابع طبیعی توسط دولت منجر به اختلال در تجارت می‌شود و موضوع به گروه مذاکراتی یارانه‌ها و اقدامات جبرانی ارجاع گردید. حاصل آن پیش‌نویسی بود که با اعتراض مکزیکی مواجه گردید و در نهایت در تعریف یارانه‌های خاص تأکید گردید که برای تشخیص آن که یارانه‌ای خاص می‌باشد یا خیر و این که آیا پرداخت آن موجب مزیت یافتن شرکتی نسبت به شرکت(های) دیگر می‌شود یا خیر باید شرکتهای حاضر در قلمرو کشور اعطا کننده یارانه با هم مقایسه شوند، اما به نظر می‌رسد که در مورد یارانه‌های قابل پیگرد همچنان جای نگرانی وجود دارد و عرضه نفت و گاز با قیمت پایینتر از قیمت جهانی به پالایشگاه‌ها و صنایع پتروشیمی در صورتی که موجب آسیب جدی به تولیدکنندگان داخلی کشور وارد کننده گردد می‌تواند مشمول اقدام جبرانی کشور زیان دیده گردد. در زمانی که این توافقات به عمل آمد اندونزی، کویت، نیجریه و ونزوئلا عضو گات بودند، اما مشارکت فعالی در این گفتگوها نداشتند و اوپک توجه جدی به موضوع یارانه‌ها نشان نداد.

۱-۳) اوپک و الحاق

قبل از شوک نفتی ۱۹۷۳ کشورهای اندونزی (۱۹۵۰)، نیجریه (۱۹۶۰) و کویت (۱۹۶۳) به عضویت گات درآمدند. این کشورها مراحل الحاق خود را چند سال پس از استقلال خود طی کردند (نیجریه در اوایل دهه ۱۹۷۰ به عضویت اوپک درآمد). زمانی که مکزیکی (یک کشور غیرعضو اوپک) به عضویت گات درآمد، برخی از مسائل مربوط به سیاست‌های صادرات نفت مطرح گردیده بود، لذا مکزیکی در پروتکل الحاق خود که در

سال ۱۹۸۶ تصویب شد قید نمود که «براساس قانون اساسی این کشور، مکزیک حقوق حاکمیتی خود را بر منابع طبیعی خود اعمال می‌نماید و برخی محدودیتهای مربوط به حفظ منابع طبیعی بخصوص بخش انرژی را براساس نیازهای توسعه‌ای و اجتماعی خود در ارتباط با محدودیتهای تولید و مصرف داخلی حفظ خواهد نمود».

پس از مکزیک، ونزوئلا به عضویت گات درآمد، اما این شرط را در پروتکل الحاق خود قید نکرد و به بند «ز» ماده ۲۰ گات اکتفا کرد. این ماده به کشورها اجازه می‌دهد که اقدامات مربوط به حفظ ذخایر طبیعی تجدید ناپذیر را در صورتی که در ارتباط با محدودیتهای تولید داخلی و مصرف باشد اعمال نمایند. پس از تشکیل سازمان جهانی تجارت تمامی اعضای پیشین گات به طور خودکار عضو آن شدند. امارات متحده عربی و قطر پس از دور اروگوئه (در سال ۱۹۹۶) به این سازمان پیوستند. در حال حاضر از اعضای اوپک دو کشور ایران و الجزایر عضو ناظر و در حال انجام مراحل الحاق هستند. با توجه به وضعیت خاص کشورهایی که قصد الحاق به سازمان جهانی تجارت را دارند، شرایط سخت‌تری برای این کشورها گذاشته می‌شود. مثلاً کشور عمان (غیر عضو اوپک) خصوصی‌سازی و تغییرات نهادی در ساختار قانونی خود را در جهت آزادسازی اقتصاد خود اعمال نمود و شرکت توسعه نفت عمان که شرکت ملی نفت این کشور است به عنوان شرکت تجاری دولتی و مشمول قواعد شرکتهای تجاری دولتی گردید و همچنین بخش خدمات خود را در زیربخش اکتشاف ذخایر بدون قید و شرط باز کرد. عمان ملزم به پذیرش موافقت‌نامه خریدهای دولتی گردید که موافقت‌نامه‌ای است که پذیرش آن اختیاری است. در مورد کشورهای در حال الحاق اکثراً پذیرش این موافقت‌نامه جزء شرایط گذاشته می‌شود. با پذیرش این موافقت‌نامه توان کشور برای واگذاری طرحهای توسعه‌ای در حوزه انرژی کاهش می‌یابد. وضعیت عمان نشان دهنده شرایط سخت‌تری است که کشورهای عضو اوپک از جمله ایران تجربه می‌کنند.

۲-۳) نهاد اوپک و سازمان جهانی تجارت

اوپک با عنوان یک سازمان بین‌دولتی تأسیس گردید و هدف اصلی آن تثبیت قیمتها در بازارهای بین‌المللی و حذف نوسانات غیرضروری قیمت‌ها و درآمد پایدار برای

کشورهای تولیدکننده و عرضه منظم برای کشورهای مصرف کننده و بازده مناسب برای صنعت نفت است. برخی از جنبه‌های اوپک شبیه «موافقت‌نامه‌های بین‌المللی کالاهای مصرفی» است. بر اساس پیش‌نویس منشور سازمان بین‌المللی تجارت [۱۷]، این عنوان به موافقت‌نامه‌هایی اطلاق می‌شود که واجد قواعد تولید یا کنترل کمی صادرات یا واردات کالاهای مصرفی به منظور تعدیل نوسانات بر مبنای قیمت‌های عادلانه برای مصرف کنندگان و تولید کنندگان می‌باشند. اوپک از تمامی جنبه‌ها با تعریف این موافقت‌نامه منطبق نیست، زیرا اولاً پیوستن به آن برای تمامی مصرف کنندگان و تولید کنندگان آزاد نیست و نیز ماهیت آن موقتی نیست. جالب توجه است بدانیم که موافقت‌نامه کالاهای مصرفی بر اساس ماده ۲۰ گات از حوزه قواعد گات مستثنی هستند. در مورد اوپک این موضوع از این لحاظ اهمیت پیدا می‌کند که گویای آن است که نظام تجاری چندجانبه جایی برای سازمانی مانند اوپک ندارد. در ماه مارس سال ۲۰۰۰ اوپک درخواست عضویت ناظر در برخی از ارکان و کمیته‌های سازمان جهانی تجارت شامل شورای عمومی، کمیته تجارت و توسعه و کمیته تجارت و محیط‌زیست را تسلیم دبیرخانه سازمان جهانی تجارت نمود، اما این ارکان تاکنون چندین بار بررسی این درخواست و اعطای موقعیت ناظر به اوپک را به تعویق انداخته‌اند.

۴) انرژی و الحاق به سازمان جهانی تجارت

بسیاری از کشورهای در حال توسعه صادر کننده نفت در بدو تشکیل گات منافع زیادی در الحاق به آن نمی‌دیدند. از این رو در میان کشورهای مؤسس گات کشورهای صادر کننده نفت سهم قابل توجهی ندارند. تا قبل از سال ۱۹۸۰ از میان این کشورها تنها کشورهای اندونزی، گابن، مالزی، نیجریه، کویت، مصر و پرو عضو گات بودند. پس از آن نیز ونزوئلا، مکزیک، امارات، قطر، بروئی، کلمبیا و تونس نیز به گات پیوستند و دو کشور اکوادور و عمان نیز پس از تشکیل سازمان جهانی تجارت به آن پیوستند. در حال حاضر تعداد کثیری از کشورهای صادر کننده انرژی در حال طی مراحل الحاق هستند (الجزایر، آذربایجان، قزاقستان، روسیه، سودان، ازبکستان، یمن، عراق و ایران). سازوکار

الحاق به سازمان جهانی تجارت به گونه‌ای است که مستلزم مذاکره با شرکای تجاری (اعضای گروه کاری) می‌باشد. روند الحاق به سازمان جهانی تجارت روند پیچیده‌ای است که طی آن کشورهای متقاضی الحاق باید در ارتباط با خواسته‌های کشورهای عضو گروه کاری با آنها به صورت دوجانبه یا چندجانبه مذاکره کرده و متعهد به آزادسازی تجارت در اشکال مختلف اعم از کاهش تعرفه‌ها، آزادسازی تجارت خدمات، اصلاح قوانین و مقررات مختلف مؤثر بر تجارت و سرمایه‌گذاری و سایر موارد گردند. مذاکراتی که تاکنون کشورهای در حال الحاق داشته‌اند با چالش‌های جدیدی برای این کشورها همراه بوده است و مواردی از آنها تقاضا شده است که با تعهدات اعضای پیشین متفاوت است. در همین راستا تقاضاهایی در ارتباط با انرژی نیز مطرح گردیده است. این در حالی است که حدود ۴۵ درصد صادرات نفت دنیا و ۵۵ درصد ذخایر نفت دنیا و حدود ۶۰ درصد ذخایر گاز دنیا در اختیار کشورهای غیر عضو سازمان جهانی تجارت است. [۱۸] برخی مذاکرات الحاق را مذاکرات میان صادرکنندگان و واردکنندگان می‌دانند. در مذاکرات الحاق، کشور متقاضی عملاً در موضع آسیب‌پذیرتری قرار دارد و در بسیاری از موارد اجباراً تفاسیر و تعبیری از مقررات سازمان جهانی تجارت که مورد قبول بسیاری از اعضای دیگر نیست در گروه کاری مطرح و پذیرفته می‌شود. لذا آنچه در عمل رخ داده است این است که کشورهای واردکننده انرژی در جهت تثبیت مواضع خود در قبال مسائل مرتبط با انرژی که پیشینه طرح آنها در نظام چندجانبه تجاری نیز کمابیش وجود داشته است عمل می‌کنند. موضوع انرژی تاکنون از چند منظر در روند الحاق کشورهای صادرکننده نفت و گاز مطرح شده است: ۱- کنترل دولت بر تولید صادرات محصولات نفت و گاز (شرکتهای دولتی و انحصارات) ۲- سیاستهای قیمت‌گذاری ۳- تعرفه‌های صادراتی و مالیات ۴- رویه‌های مربوط به تجارت غیرمنصفانه (قیمت‌شکنی و یارانه‌ها) ۵- تجارت خدمات انرژی (در بخشهای اکتشاف، استخراج، حمل و فراوری).

در زمینه کنترل دولتی تولید و صادرات محصولات نفت و گاز در فرایند الحاق روسیه ضرورت مقررات زدایی در حوزه گاز طبیعی این کشور مطرح شد. اتحادیه اروپا خواسته است که روسیه اصلاحاتی را در این زمینه انجام دهد و فعالیت‌های این بخش را از جنبه

انحصاری خارج نماید. در حال حاضر شرکت گاز پروم انحصار دولتی و انتقال گاز طبیعی را در روسیه در اختیار دارد. از روسیه خواسته شده است که دسترسی سایر تولیدکنندگان گاز به خطوط لوله را فراهم نماید و در جهت ایجاد رقابت در بازار فروش عمده گاز گام بردارد. روسیه این مسأله را دخالت در مسائل داخلی خود و ورود به حوزه حاکمیتی می‌داند. یکی دیگر از مواردی که در الحاق روسیه یا عربستان و عمان طرح گردیده است شناسایی شرکتهای ملی فعال در بخش انرژی به عنوان شرکت تجاری دولتی^۱ است. براساس ماده ۱۷ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت، در صورتی که شرکتی به عنوان شرکت تجاری دولتی شناخته شود باید ضوابطی را رعایت نماید. براساس تفاهم‌نامه تفسیر این ماده، شرکت تجاری دولتی به شرکتی اطلاق می‌شود که وابسته به دولت بوده و در قانون دارای حقوق انحصاری یا ویژه‌ای باشد که با استفاده از آنها بتواند در خرید یا فروش خود سطح و جهت صادرات یا واردات را تغییر دهد. طبق ماده ۱۷ چنین شرکتی باید عملیات تجاری خود را از لحاظ قیمت، کیفیت در دسترس قرار دادن، بازاریابی حمل و سایر شرایط خرید یا فروش با ملاحظات تجاری انجام دهد و فرصت مناسب رقابت را در اختیار سایر شرکتهای و کشورها قرار دهد. دولتها باید نام شرکتهای تجاری دولتی و کالاهایی که این شرکتهای صادر و وارد می‌کنند و سایر اطلاعات مرتبط را به شورای تجارت کالا اطلاع دهند. در مورد عربستان شرکت آرامکو، در روسیه شرکت گاز پروم و در عمان شرکت توسعه نفت عمان از سوی اعضای گروه کاری به عنوان شرکتهای تجاری دولتی شناخته شده‌اند. طبق مفاد این ماده، این شرکتهای نمی‌توانند در خرید و فروش حاملهای انرژی میان سایر کشورها تفاوت بگذارند و اجازه ندارند میان محصولات انرژی داخلی وارداتی تبعیض قایل شوند و از وضعیت انحصاری خود در جهت اهداف توسعه ظرفیتهای داخلی و شرکتهای داخلی استفاده کنند. [۱۹]

موضوع قیمت‌گذاری دوگانه در مورد کشورهای روسیه و عربستان به چالشی جدی در الحاق تبدیل شده است. در مورد روسیه در مذاکرات چندجانبه این کشور با اتحادیه اروپا موضوع کاهش قیمت داخلی گاز و برق از سوی اتحادیه اروپا مطرح شد. ادعای اتحادیه

1- state trading enterprise

اروپا در مورد روسیه این است که قیمت‌ها به نوعی موجب شده است که صنایع روسیه با دریافت انرژی ارزاتر نسبت به اروپا از مزیت رقابتی برخوردار گردیده‌اند. برخی محاسبات نشان می‌دهد که در حال حاضر قیمت گاز برای مصرف کنندگان بخش صنعت این کشور حدود ۳۰ تا ۵۰ درصد پایینتر از حداکثر هزینه تمام شده تولید گاز می‌باشد و روسیه به واسطه موقعیت انحصاری خود در بازار گاز با حذف قیمت‌گذاری دوگانه سالانه بین ۵ تا ۷/۵ میلیارد دلار زیان می‌بیند. [۲۰] هر چند برخی افزایش قیمت گاز در روسیه را انگیزه‌ای برای افزایش کارایی و بازسازی صنایع آن در جهت بهینه‌سازی مصرف سوخت می‌دانند، ولی واقعیت آن است که در صورتی که صنایع این کشور از حمایت‌های بودجه‌ای و اعتبارات بلند مدت بهره‌مند نشوند، افزایش قیمت گاز آنها را با مشکلات جدی مواجه می‌کند.

عربستان سعودی نیز در مذاکرات الحاق خود با درخواست مشابهی برای حذف قیمت‌های دوگانه مشتقات نفت و گاز مواجه شده است. اتحادیه اروپا اقدام عربستان را یارانه پنهان نامیده است. پیش از این، اقدام اعضا در مورد پرداخت یارانه در بخش انرژی کمتر مورد توجه قرار گرفته بود. بحث‌هایی در دور اروگوئه در این مورد مطرح شد، اما به نتیجه مشخصی منجر نشد. در زمان الحاق عربستان و تحت موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی این مسأله مطرح شد. در عربستان نرخ گاز مایع طبیعی (اتان، پروپان و بوتان) برای تولید داخلی با نرخ صادراتی آن تفاوت دارد. این گازها در صورت استفاده در تولید داخلی ارزاتر از گاز صادراتی در اختیار صنایع این کشور قرار می‌گیرند. انجمن تولیدکنندگان پتروشیمی اروپا واردات محصولات پتروشیمی عربستان را مخل رقابت در بازار اروپا می‌دانند. عربستان در مقابل مطرح می‌کند که این اقدام با انگیزه جلب سرمایه در بخش پتروشیمی صورت می‌گیرد. بسیاری معتقدند اقدامی که عربستان انجام می‌دهد تضادی با موافقت‌نامه یارانه‌ها ندارد. براساس موافقت‌نامه یارانه‌ها، در صورتی که دولت یا نهادهای دولتی میان کالاهای داخلی و کالاهای وارداتی که در تولید کالاهای صادراتی استفاده می‌شوند رفتاری تبعیض‌آمیز داشته باشند، این یارانه صادراتی و ممنوع می‌باشد. درحالی‌که در مورد عربستان هزینه‌ای که دولت برای مواد اولیه مورد استفاده در محصولات

پتروشیمی برای صادرات دریافت می‌کند از هزینه‌ای که برای مصرف در داخل (به عنوان سوخت) دریافت می‌کند کمتر است. علاوه بر این، یکی از شرایط ممنوعیت یارانه "خاص" بودن آن است. این در حالی است که گاز مایع طبیعی با قیمت ارزانتر در دسترس تمام شرکتهای فعال در بخش پتروشیمی این کشور گذاشته می‌شود نه یک شرکت خاص یا صنعت خاص. براساس ماده ۲ موافقت‌نامه یارانه‌ها، در صورتی که یارانه‌ای به صورت خودکار بدون وجود معیارها و شرایط عینی (نظیر ملیت) از طرف مرجع اعطا کننده یارانه پرداخت شود، این یارانه خاص محسوب نمی‌شود. عربستان نیز یارانه را به هر شرکت فعال در بخش پتروشیمی پرداخت می‌کند. شروط دیگر خاص بودن یارانه آن است که تعداد محدودی از شرکتهای آن بهره‌مند شوند یا بنگاههای خاصی بخش اعظم یارانه را به خود اختصاص دهند و یا اینکه یارانه بدون تناسب و با نظر مقام اعطا کننده به شرکتهای معینی پرداخت شود که در تعیین این موضوع درجه تنوع فعالیتهای اقتصادی و مدت پرداخت آن در نظر گرفته شود. البته این که در تعیین استفاده شرکتهای معین از یارانه، برخوردار شدن شرکتهایی که به اقتضای طبیعت فعالیت خود از آن بهره‌مند شوند نیز مصداق داشته باشد بسیار بعید است، زیرا در این صورت هر نوع یارانه در این چارچوب قرار می‌گیرد و طبیعتاً هر صنعت خاص از منابع اولیه خاص خود استفاده می‌کند. گروهی از یارانه‌ها نیز خود یارانه‌های قابل تعقیب هستند یعنی در صورتی که موجب آسیب به صنعت یک کشور گردند قابل پیگیری می‌باشند. اثبات وجود آسیب جدی خود همراه با ارزیابیهای لازم است که به صورت موردی صورت می‌گیرد و شرایط خاص خود را دارد. لذا با در نظر گرفتن موارد فوق در این که قیمت‌گذاری دوگانه در عربستان مصداق یارانه باشد تردید جدی وجود دارد.

یکی دیگر از مواردی که برای کشورهای صادر کننده نفت مطرح است وضع تعرفه‌های کمی صادرات و واردات است. در مذاکرات الحاق کشور عمان (غیر عضو اوپک) موضوع تعرفه‌های صادراتی مطرح گردید و این کشور پذیرفت که تمامی تعرفه‌های صادراتی خود را از جمله تعرفه‌های صادراتی نفت و مشتقات نفت را حذف نماید.

در مورد مذاکرات خدمات همچون سایر مذاکرات الحاق، کشورهای نفت‌خیز تحت

فشار زیاد برای گشودن بازار خدمات انرژی بوده‌اند، گو این که در تقسیم‌بندی فعلی سازمان جهانی تجارت طبقه بندی جداگانه‌ای تحت عنوان خدمات انرژی وجود ندارد اما نفت و گاز در بخش خدمات مرتبط با معدن کاوی (خدمات اکتشاف و استخراج) و در خدمات مرتبط با حمل و نقل در بخش خدمات حمل از طریق لوله (انتقال سوخت) قرار می‌گیرد و نیز در بخش خدمات مرتبط با تحقیق و توسعه در بخش انرژی و خدمات مرتبط با توزیع انرژی نیز تعهداتی در این بخش سپرده شده است که به مراتب از تعهدات اعضای قدیمی سازمان جهانی تجارت گسترده‌تر است. کشورهای کرواسی، قرقیزستان، مقدونیه، مولداوی، کامبوج و نپال در زمینه حمل نفت خام و پالایش شده تعهد سپرده‌اند. این در حالی است که از میان اعضای توسعه یافته سازمان جهانی تجارت تنها استرالیا و زلاندنو در این بخش تعهد داده‌اند. در مورد خدمات مرتبط با توزیع انرژی، کشورهای تازه ملحق شده کرواسی، گرجستان، لتونی، عمان، مولداوی و کامبوج بدون هیچ محدودیتی تعهد داده‌اند. این در حالی است که از میان کشورهای توسعه یافته فقط آمریکا در این زمینه تعهد به آزادسازی کامل داده است و استرالیا نیز با حفظ محدودیتهای بخشی در این زمینه تعهداتی سپرده است. در میان کشورهایی که در بخش خدمات معدن کاوی بدون محدودیت تعهد سپرده‌اند نام هیچ کشور توسعه یافته‌ای جز آمریکا و کانادا به چشم نمی‌خورد. اتحادیه اروپا و استرالیا تعهدهایی را سپرده‌اند که توأم با محدودیت است، حال آن که آلبانی، گرجستان، قرقیزستان، لتونی، مالاوی، عمان، کامبوج و مولداوی بدون هیچ محدودیتی در این بخش تعهد سپرده‌اند. لذا آن گونه که بررسی جداول تعهدات کشورهای تازه ملحق شده نشان می‌دهد، گستره تعهدات این کشورها نه تنها از اعضای قدیمی سازمان بلکه از کشورهای توسعه یافته عضو نیز بسیار بالاتر است. اصولاً هر چه بازار کشوری در یک حوزه خدماتی جذابتر باشد انتظار اعضای گروه کاری الحاق در پذیرش تعهد توسط این کشور بیشتر است. لذا کشورهای نفت خیز نیز بخصوص در بخش انرژی با تقاضای اعضای گروه کاری بویژه کشورهای توسعه یافته برای دسترسی به بازار خدمات (در بخش نفت و گاز) مواجهند، در حالی که در دور اروگوئه تنها تعداد انگشت شماری از اعضا در این بخش تعهد سپرده‌اند عمان که یک کشور تازه ملحق شده

صادر کننده نفت می‌باشد پذیرفته است که تجارت و سرمایه‌گذاری را در سه بخش خدمات انرژی که در موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات وجود دارد آزاد نمایند. عمان در حوزه دسترسی به بازار و رفتار ملی در خدمات مرتبط با انرژی شامل حمل و نقل و خدمات ساخت و ساز نیز تعهدات گسترده‌ای داشته است. اکوادور نیز که صادر کننده نفت می‌باشد و پس از دور اروگوئه به عضویت سازمان جهانی تجارت درآمده است در خدمات مرتبط با معدن متعهد به آزادسازی شده است. از سوی دیگر، چین با بازار داخلی بزرگ آن نیز تعهداتی نسبت به کاهش انحصار دولتی در تجارت و توزیع نفت داده است. کشورهایی که به صورت بالقوه یا بالفعل در ترانزیت انرژی اهمیت دارند (مانند کرواسی و قرقیزستان) در بخش حمل نفت خام و پالایش شده و گاز و سایر مشتقات نفتی و نیز خدمات مربوط به توزیع و انتقال انرژی تعهد سپرده‌اند که جهت تسهیل ترانزیت انرژی برای آنها اهمیت دارد.

۵) دور دوحه و مباحث انرژی

موضوع انرژی در حال حاضر از ابعاد گوناگون در مذاکرات جاری سازمان جهانی تجارت مطرح است. عمده‌ترین موضوعات مرتبط، بحث‌های جاری در چارچوب موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات است. مذاکرات خدمات براساس ماده ۱۹ این موافقت‌نامه از سال ۲۰۰۰ آغاز شده است و در کمیته‌ای با عنوان کمیته تعهدات ویژه ادامه دارد. این مذاکرات با هدف ارتقای سطح تعهدات اعضا در بخش خدمات صورت می‌گیرد. در دستور کار دوحه بر ادامه این مذاکرات تأکید شده است. در واقع، در این مذاکرات برای اولین بار است که موضوع انرژی مستقیماً در سازمان جهانی تجارت مطرح می‌شود. اعضا پیشنهادات مختلف را در زمینه خدمات انرژی ارائه داده‌اند. در طبقه‌بندی دوازده‌گانه این موافقت‌نامه مقوله مشخصی برای خدمات انرژی وجود ندارد. عمده پیشنهادات بر ایجاد زیربخش ویژه‌ای با عنوان خدمات انرژی متمرکز است. هفت پیشنهاد در باره آزادسازی خدمات انرژی مطرح شده است (از سوی کشورهای آمریکا، اروپا، ژاپن، نروژ، ونزوئلا، شیلی و اندونزی). پیشنهاد آمریکا علاوه بر آن که شامل مقولاتی بسیار

گسترده در طبقه‌بندی خدمات مرتبط می‌باشد، کشورها را ترغیب می‌کند که با فراهم آوردن گسترده‌ترین تعهدات ممکن در دسترسی به بازار و رفتار ملی و اجازه ورود موقت متخصصان و آزادسازی معاملات الکترونیکی و حذف تعرفه کالاهای مرتبط با انرژی، دسترسی به خدماتی را که در حال حاضر در اختیار شرکتهای انحصاری هستند آزاد سازند. پیشنهاد اروپا نیز شامل طیف وسیعی از خدمات، اعم از اکتشاف و تولید و ساخت و ساز تجهیزات انرژی، شبکه‌ها، ذخیره‌سازی و نیز مذاکرات مربوط به تسهیل حضور موقت اشخاص حقیقی و فعالیت پیمانکاران است. پیشنهاد ونزوئلا مبتنی بر ویژگی منعطف خدمات انرژی است، و در آن پیشنهاد داده شده است که طبقه‌بندی خدمات انرژی براساس معیارهای منابع انرژی (مثلاً نفت، گاز و انرژی آبی) صورت گیرد و نیز میان خدمات مربوط به فرایندهای اصلی در زنجیره ارزش افزوده و خدمات بالا دستی (مربوط به اکتشاف و توسعه منابع انرژی) و خدمات پایین‌دستی مانند خدمات طراحی، احداث، اداره و نگهداری تجهیزات و شبکه‌های انرژی و همچنین خدمات غیرمحوری مانند خدمات فرعی تفاوت قایل شده است. این پیشنهاد به علت انعطاف طبقه‌بندی این امکان را به کشورهای در حال توسعه داده است که براساس استراتژیهای توسعه ملی خود اقدام به آزادسازی در بازارهای خود نمایند و نیز بر ضرورت توجه به اهداف توسعه‌ای کشورها و امکان بهره‌گیری از خدمات انرژی به عنوان اهرم توسعه تأکید می‌کند. قابل توجه است که پیشنهادات تمامی کشورها بر حق مالکیت منابع طبیعی و نیز حق تنظیم و قانونمند کردن این بخش در راستای حفظ منافع عمومی تأکید دارند.

علاوه بر مذاکرات خدمات که برای اولین بار مستقیماً به سیاستهای انرژی می‌پردازد، حوزه‌های دیگری در مذاکرات مطرح شده است که می‌تواند با سیاستهای انرژی تداخل داشته باشد. در مذاکرات جاری در حوزه قواعد سازمان جهانی تجارت که با هدف روشنتر کردن و بهبود قواعد سازمان جهانی تجارت در حوزه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی و اقدامات ضدقیمت‌شکنی صورت می‌گیرد، تصمیماتی در مورد یارانه‌های خاص و اقدامات ضدقیمت‌شکنی می‌تواند اتخاذ شود که کشورهای صادرکننده انرژی و مشتقات هیدروکربن‌ها را بشدت تحت تأثیر قرار دهد. در زمینه یارانه‌ها تلاش بر این بوده است

که تفسیر جدیدی از یارانه‌های خاص ارائه شود که انرژی ارزان قیمت مورد مصرف کشورهای صاحب منابع را یارانه تلقی کند، کما اینکه در الحاق کشورهای صادر کننده این تفسیر مطرح گردیده است و قبلاً نیز در دور اروگوئه تلاش برای ارائه چنین تفسیری صورت گرفته است.

در مورد قیمت‌شکنی نیز برخی کشورهای توسعه یافته معتقدند که فروش نفت و گاز به صنایع داخلی در کشورهای نفتی به قیمت‌های بسیار کمتر از قیمت‌های صادراتی منجر به تفاوت قیمت تولیدات پتروشیمی صادراتی در قیاس با قیمت‌های تولیدات کشورهای توسعه یافته می‌گردد و این نوعی قیمت‌شکنی محسوب می‌شود. [۲۱] با توجه به بحث‌های جاری در این زمینه حضور فعال کشورهای صادر کننده نفت در مذاکرات بسیار مهم است. هرگونه تفسیری که در نهایت منجر به اجازه ایجاد محدودیت برای صادرات این کشورها گردد می‌تواند مزایای دسترسی به بازار و کاهش تعرفه‌های محصولات پتروشیمی را که این کشورها در آن مزیت نسبی دارند بی‌اثر سازد. هر چند ایران در حال حاضر صرفاً عضو ناظر سازمان جهانی تجارت می‌باشد، اما لازم است به عنوان کشور صادرکننده عمده این محصولات در قالب همکاری با کشورهای عضو و اتخاذ مواضع مناسب در این زمینه فعالانه عمل کند.

با توجه به آن که دور دوحه با نگاهی ویژه به نیازهای کشورهای در حال توسعه آغاز گردیده است، کشورهای صادر کننده نفت باید از آن به عنوان فرصتی برای طرح ضرورت کاهش مالیات بنزین در کشورهای صنعتی استفاده کنند. در حال حاضر مالیات بنزین در کشورهای صنعتی بخش مهمی از درآمدهای این دولت‌ها را تشکیل می‌دهد. این مالیات‌ها به گونه‌ای تبعیض‌آمیز میان مشتقات نفتی و سایر سوخت‌های فسیلی (مانند ذغال سنگ) وضع شده‌اند. در همین زمینه همچنین مذاکراتی در زمینه مسأله محیط‌زیست و انرژی در جریان است که می‌تواند با مشارکت مؤثر کشورهای صادر کننده نتایج مورد نظر آنها را در دنبال داشته باشد. در گذشته در بسیاری موارد که یکی از آنها منجر به طرح دعوا نیز شده است از اقدامات زیست‌محیطی برای اهداف حمایت‌گرایانه استفاده شده است. مشارکت فعال کشورهای صادرکننده در مذاکرات در این زمینه می‌تواند به طور

مشخص برای جلوگیری از تبعیض در مواردی نظیر مالیات‌های زیست‌محیطی و تبعیض میان محصولات انرژی وارداتی یا محصولات مشابه داخلی یا محصولات رقابتی یا قابل جایگزینی آثاری را برای آنها به دنبال داشته باشد.

بخشی از مذاکرات دوحه به موضوع خریدهای دولتی، سرمایه‌گذاری و رقابت اختصاص دارد. این مباحث در چارچوب مذاکرات جاری دنبال نمی‌شوند بلکه در حال حاضر در غالب همکاری با آنکتاد و سازمانهای منطقه‌ای و نیز گروههای کاری مربوطه در سازمان جهانی تجارت دنبال می‌شوند. نتایج کار این گروهها تحلیلی از جنبه‌های مثبت و منفی شکل‌گیری موافقت‌نامه‌ای در زمینه‌های فوق می‌باشد. به طور کلی، بررسی روند گذشته نظام تجاری چندجانبه نشان می‌دهد که هرگاه گروه کشورهای توسعه یافته پیشنهادهای را ارائه داده‌اند که با مخالفت سایر اعضا مواجه شده است، موضوع پیشنهادی از دستور کار خارج نگردیده بلکه برای انجام مطالعات بیشتر به گروههای کاری فرعی ارجاع شده و بالاخره در ادوار مذاکراتی بعدی در دستور کار قرار گرفته و منجر به شکل‌گیری موافقت‌نامه گردیده است. لذا طرح این مباحث در بیانیه دوحه تدریجاً گویای شکل‌گیری توافقات آتی در این زمینه‌هاست. موضوع خریدهای دولتی از جهت ارتباط با خرید دولتی خدمات مرتبط با بخش نفت و گاز دارای اهمیت است و در مورد سرمایه‌گذاری نیز که در چارچوب موضوعات جدید مطرح است می‌تواند آثار زیادی برای کشورهای تولیدکننده نفت و گاز که مایل به حفظ کنترل خود بر استفاده از ذخایر طبیعی می‌باشند به دنبال داشته باشد. موضوع سیاست رقابتی از حساسترین حوزه‌هایی است که می‌تواند کشورهای عضو اوپک را با چالش مواجه سازد. پیش از این نیز در کنگره آمریکا از اوپک به عنوان یک کارتل یاد شده است. [۲۲] لذا بسیار ضروری است که اعضای اوپک با پیشنهادات روشن و مشارکت فعال در بررسیهایی که در حال حاضر با همکاری آنکتاد در گروه کاری سیاستهای رقابتی در سازمان جهانی تجارت دنبال می‌شود مشارکت داشته باشند.

۶) جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بررسی سوابق مذاکرات نظام چندجانبه تجاری و قواعد سازمان جهانی تجارت نشان می‌دهد که هر چند در ادوار مذاکراتی و اسناد مربوطه بندرت اشاره مستقیمی به نفت و انرژی وجود دارد، اما در ادوار مذاکراتی گوناگون و در بستر موافقت‌نامه‌های مختلف موارد بسیاری وجود دارد که بر سیاست‌های انرژی کشورهای صادر کننده اثر می‌گذارد که مقررات مربوط به یارانه، قیمت‌شکنی، موانع فنی فراراه تجارت و برخی از مواد موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت و موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات از آن جمله هستند. در حال حاضر وضعیت بخش انرژی در سازمان جهانی تجارت مانند وضعیت مذاکرات کشاورزی قبل از دور اروگوئه است که نه کاملاً از تصمیمات چندجانبه مستثنی است و نه کاملاً در حوزه آن قرار می‌گیرد. بررسی روند گذشته و آینده نشان می‌دهد که کشورهای صادر کننده نفت رفته رفته خود را در شرایطی می‌یابند که سیاست‌های توسعه‌ای سنتی آنها بخصوص در حوزه یارانه‌ها، سرمایه‌گذاری خارجی و خدمات انرژی در بستر تحولات جهانی نیاز به تغییر دارد و در عین حال با توجه به اهمیت درآمدهای حاصل از نفت و گاز در سیاست‌های توسعه‌ای و با در نظر گرفتن روند برنامه‌های آزادسازی و خصوصی‌سازی خود باید در عرصه مذاکرات جاری در این بخش حضور داشته باشند.

در حال حاضر تعداد زیادی از کشورهای صادرکننده نفت در حال طی مراحل الحاق به سازمان جهانی تجارت هستند و در موارد مختلف از آنها خواسته شده است که قواعد موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت را در سیاست‌های انرژی خود اعمال نمایند. تعهدات کشورهایی که اخیراً ملحق شده‌اند یا در حال الحاق هستند با کشورهای نفت خیزی که عضو قدیمی این سازمان هستند تفاوت دارد. در

مذاکرات الحاق، براساس تفاسیر متفاوتی از قواعد سازمان جهانی تجارت، انتظارات جدیدی از سوی اعضای گروه‌کاری الحاق مطرح گردیده است. نتایج مذاکرات الحاق به عنوان سابقه‌ای در سازمان جهانی تجارت نقش مهمی در شکل‌گیری قواعد آتی این سازمان در بخش انرژی خواهد داشت. در مذاکرات جاری که در چارچوب دور دوحه صورت می‌گیرد، موضوعات مختلفی در ارتباط با انرژی مطرح است. در مذاکرات خدمات برای اولین بار موضوع انرژی مستقیماً مورد توجه قرار گرفته است. بررسی روند پیشین مذاکرات مرتبط با انرژی نشان می‌دهد که کشورهای صادرکننده انرژی و بخصوص اعضای اوپک در باره حضور فعال و جدی در تصمیم‌گیری‌هایی که بر سیاست‌های انرژی آنها تأثیرگذار است کوتاهی کرده‌اند. با توجه به افزایش شمار کشورهای صادرکننده نفت نسبت به دور اروگوئه و با توجه به آن که ابعاد مختلف مذاکرات جاری می‌تواند تأثیر زیادی بر کشورهای صادرکننده و معادلات تجارت نفت و گاز و مواد پتروشیمی داشته باشد، ضروری است که این کشورها در تمامی بررسیها و مذاکرات که در حال حاضر در آنکتاد و سازمان جهانی تجارت دنبال می‌شود مشارکت فعال داشته باشند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یادداشتها

۱- معاهده منشور انرژی (Energy Charter Treaty) در سال ۱۹۹۱ توسط کشورهای اروپایی ایجاد شد و هدف آن ایجاد رژیم جدید برای سرمایه‌گذاری، ترانزیت و تجارت نفت و گاز است.

۲- در موافقت‌نامه نفتا (NAFTA) که در سال ۱۹۹۴ میان سه کشور آمریکا، مکزیک و کانادا به امضا رسید یک فصل کامل به انرژی اختصاص دارد.

3- Evans 2002, p.1.

۴- ر.ک. به: کمالی‌اردکانی و نصیری ۱۳۸۳، ص ۲۸.

۵- ر.ک. به سند شماره MTN/GNS/W/120 سازمان جهانی تجارت.

6- UNCTAD2003.

۷- اصلاحات ساختاری در بخش انرژی با هدف کاهش هزینه‌ها و بهبود عملکرد اقتصادی و افزایش کارایی بخش انرژی از طریق ایجاد ترتیبات بازار آزاد و معیارهای تجاری صورت می‌گیرد. این اصلاحات می‌توانند شامل سیاست‌گذاری به اشکال مختلف باشند: از جمله خصوصی‌سازی (فروش بخشی از یک شرکت دولتی انرژی یا تمام آن به بخش خصوصی یا سرمایه‌گذاران خارجی) و مقررات زدایی (لغو مقررات و ارزیابی مجدد شیوه‌ها و وضع مقررات جدید). اصلاح مقررات، خود بخشی از اقدام گسترده‌تری است که همان توقف یا کاهش دخالت مستقیم دولت در این بازار می‌باشد.

۸- ر.ک. به نوشته ام. دستا (M.Desta) در منبع زیر:

Walde 2002, p.70-75.

۹- تثبیت تعرفه‌ها به معنی تعیین حداکثر تعرفه مجاز برای کشور وارد کننده می‌باشد.

۱۰- ر.ک. به مقاله کریاک وان گراستک (Criag VanGrasstek) در منبع زیر:

UNCTAD 2003, p.217.

۱۱- ر.ک. به سند شماره E/ESCWA/ED/1997/6 کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد برای غرب

آسیا.

۱۲- ر.ک. به:

UNCTAD 2000, p.125.

13- Lal Das 1996.

۱۴- عنوان این موافقت‌نامه «موافقت‌نامه اجرای ماده ۶ گات ۱۹۹۴» است که به عنوان موافقت‌نامه ضدقیمت‌شکنی شناخته می‌شود.

۱۵- براساس گزارش‌های سازمان جهانی تجارت، تعداد اقدامات ضدقیمت‌شکنی در سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۳ به ترتیب ۹۰، ۱۲۴، ۱۶۰، ۱۸۴، ۲۳۲، ۱۶۶، ۲۱۲، ۲۲۱ مورد بوده است.

۱۶- ر.ک. به:

OPEC Secretariat 1999, p.7.

۱۷- در کنار تأسیس بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول که به نهادهای برتون وودز معروفند، قرار بود سازمانی به نام سازمان بین‌المللی تجارت (ITO) تأسیس شود که وظیفه آن تنظیم روابط تجاری میان کشورها باشد.

18- Gibbs and Mamedov 2002, p.80.

19- Jimenez-Guerra 2001, p.23.

20- Tarr 2003, p.1.

۲۱- ر.ک. به: مخلص الخالدی ۲۰۰۳، ص ۱۳.

۲۲- قاسمی ۱۳۸۲، ص ۲.

منابع

دبیرخانه گات (۱۳۷۳) **سندنهایی دور اروگوئه**. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

قاسمی، هایده (۱۳۸۲) **خلاصه گزارش مربوط به اوپک و توافق نامه رقابت سازمان جهانی تجارت**.

دفتر امور بین الملل و سازمان‌های تخصصی وزارت بازرگانی. شهر یور.

کمالی اردکانی، مسعود و میترا نصیری. **تجارت خدمات در سازمان جهانی تجارت**. تهران: شرکت چاپ و نشر

بازرگانی.

مخلص الخالدي، ذكاء (۲۰۰۳) اعلان الدوحه وفرص المواضيع ذات العلاقه بالمنتجات الهيدروكربونية في

المفاوضات الجارية والمستقبلية. اللجنة الاقتصادية والاجتماعية لغرب آسيا. سبتمبر.

Economic and Social Commission for Western Asia (1998) **Challenges and Opportunities of the New International Trade Agreements (Uruguay Round) for ESCWA Member Countries in Selected Sectors: Crude Oil, Petroleum Products and Petrochemicals**. New York: United Nations Publication.

ECT Secretariat (2001) **Trade in Energy: WTO Rules Applying under the Energy Charter Treaty**. Brussels. December.

Evans, Peter (2002) **Liberalizing Global Trade in Energy Services**. AEI Studies on Services Trade Negotiations. Washington DC: The AEI Press.

Gibbs, Murray and Anar Mamedov (2002) **Energy _ Related Issues in the WTO Accession Negotiations**. In UNCTAD. **Selected Papers on WTO Accessions and Development Policies**. Training Programme for Iranian Trade Negotiators. July 2002

Haghighi, Sanam S. (2005) Dual Pricing of NGL in Saudi Arabia and the Rules of the World Trade Organization on Subsidies. **Middle East Economic Survey**, April 25.

ITC/CS (1999) **Business Guide to the World Trading System**. Geneva: ITC/CS.

Jimenez – Guerra, Andrea (2001) **The World Trade Organization and Oil**. Oxford: Oxford Institute for Energy Studies.

Lal Das, Bhagirath (1996) WTO Agreements: Implications and Imbalances. Paper presented at the TWN Seminar on "The WTO and Developing Countries", 10-11 September <<http://www.twinside.org.sg/title/imp-cn.htm>>.

OECD/UNCTAD (2003) Managing Request - Offer Negotiations under GATS: The Case of Energy Services <[http://www.ois.oecd.org/olis/2003doc.nsf/tc-tc-wp\(2003\)24-final](http://www.ois.oecd.org/olis/2003doc.nsf/tc-tc-wp(2003)24-final)>.

OPEC Secretariat (1999) **OPEC and the WTO: Issues and Perspectives**.

Tarr, Thomson (2000) The Merits of Dual Pricing of Russian Natural Gas. World Bank. 19 July.

UNCTAD (2000) **Trade Agreements, Petroleum and Energy Policies**. New York and Geneva: United Nations Publication.

____ (2003) **Energy and Environmental Services: Negotiating Objectives and Development Priorities**. New York and Geneva: United Nations Publication.

Walde, Thomas and Jean Monnet (2002) **Legal and Policy Implications of the Relationship between Two International Treaties in Natural Resources: OPEC and the ECT**. February.

WTO (1998) **Energy Services**. Background Note by Secretariate. WTO document S/C/W/52 dated 9 September 1998.

____ (2003) **Doha Declarations**. Geneva: WTO Publications.